

درآمدی بر زبان حدیث، تحلیلی بر ضمنی شدگی اطلاعات در فرایند نقل حدیث

احمد زارع زردینی^۱
کمال صحرائی اردکانی^۲

چکیده

یکی از مباحث مهم در متن پژوهی معاصر، زبان متن و نقش و اهمیتی است که در نقد، فهم و ارزیابی متون دارد. از مباحث مقدماتی در این زمینه چگونگی پژوهش درباره زبان متن است. مقاله حاضر راهی را برای مطالعه زبان متن بر پایه مسأله ضمنی شدگی اطلاعات در فرایند نقل یک سخن یا گزارش تاریخی برای شناخت زبان احادیث پیشنهاد می کند. بر این اساس، در آغاز به تفکیک مطالعات زبان حدیث با رویکرد کلامی و زبان شناسی پرداخته و در رویکرد زبان شناسی به بررسی اطلاعات ضمنی به مثابه امری ادبی و سپس امری زبانی پرداخته است. در گام بعد به مهمترین عوامل ایجاد اطلاعات ضمنی از نگاه زبانی اشاره و کوشش نموده است تا ورود این ویژگی در متون روایات را نمایان سازد و نشان دهد یکی از مؤلفه های زبان حدیث، فراوانی اطلاعات ضمنی است. نوشتار حاضر نشان می دهد با کاربردی سازی مباحث زبان شناسی در مطالعات حدیثی می توان دریچه های جدیدی در حدیث پژوهی گشود.

کلیدواژه‌ها

زبان حدیث، اطلاعات ضمنی، فلسفه حدیث، لسان احادیث.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (نویسنده مسئول). zarezardini@haeri.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد. sahraei@haeri.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۰۹

۱. طرح مسأله

امروزه پژوهش‌های زبانی، ساحت‌هایی‌نورا در نوردیده و بر دایره پژوهش‌هایش می‌افزاید. در این میان یکی از زمینه‌هایی که پژوهش‌های زبان‌شناسی نوین در آنها تحول‌زا بوده، مطالعات متن‌شناسی است. به گونه‌ای که امروزه زبان‌شناسی دهها روش در مطالعه متون همچون تحلیل‌گفتمان، معنا- نشانه‌شناسی، تحلیل ساختگرایی متون، نقد متن، و.. ارائه نموده است و فضاهای جدیدی را در متن پژوهی رقم زده است. از جمله این روش‌های نوین «زبان متن» است. منظور از زبان متن، نظام‌های نشانه‌ای و قراردادی زبانی همچون زبان عربی یا انگلیسی یا فارسی یا غیره نیست بلکه به ویژگی‌های بیانی یک متن معطوف است. گام نخست در چنین پژوهشی آنست که ببینیم چگونه می‌توان زبان متن را شناسایی نمود؟ در نوشتار حاضر، ضمنی‌شدگی اطلاعات در فرایند نقل و انتقال روایات به مثابه یکی از مولفه‌های زبان روایات بررسی شده است. بدیهی است که در این مقاله سایر مولفه‌های زبان روایات که در فهم آن‌ها نقش دارند و موجب آگاهی بیشتر از مراد گوینده می‌شوند، بررسی نمی‌شود. جستجوی سابقه پژوهش در زمینه زبان روایات حاکی از نبود و قلت نگارش‌ها در این حوزه است. معدود نگارش‌هایی همچون «مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زبان‌شناسی» به مباحثی همچون زبان عرف عام بودن روایات، قطعی‌الدلاله بودن احادیث و یا موضوع نقل به معنا در احادیث پرداخته است و هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع ضمنی‌شدگی اطلاعات در روایات نکرده است (درزی، ۱۳۹۰ش، سراسر اثر) لازم به ذکر است طرح چنین مباحثی پیشتر نیز پیشنهاد شده است (زارع زردینی، ۱۳۹۲ش، سراسر اثر). نوشتار حاضر در بردارنده کلیاتی در باب چیستی زبان و زبان احادیث است. در بخش بعد به مطالعه اطلاعات ضمنی از دو بعد ادبی و زبانی پرداخته شده و در بخش بعد به ارائه نمونه‌هایی در اثبات وجود چنین ویژگی در روایات پرداخته به آسیب‌های این پدیده در احادیث اشاره می‌کند.

۱. لازم است به چند معنایی در جامعه علمی امروز کشور در اصطلاح «روایت» اشاره کرد که گاه نه به معنای احادیث و اخبار منقول از معصومین (ع)؛ بلکه به معنای دانش روایت‌شناسی (narratology) است. این تألیفات در ادبیات به ویژه ادبیات داستانی، تاریخ و جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته و البته این ظرفیت را دارد که بعضی از مبانی و شیوه‌های آن در حدیث پژوهی نیز استفاده شود (برای آشنایی با این رویکرد نک: تولان؛ ۱۳۸۶ش، ۱).

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. اهمیت و نقش عنصر زبان در بیان حدیث

برای این که مقصود از زبان در این پژوهش مشخص شود، لازم است دو مساله «توانش زبانی^۱» و «کنش زبانی^۲» را از هم تفکیک نمود. دانش زبانی همیشه توسط کاربر دقیقاً منعکس نمی شود بدین علت است که زبان شناسان ترجیح می دهند که بین توانش و کنش تمایز قائل شوند. توانش زبان، دانش ناخودآگاه سخنوران یک زبان درباره ی آواها معانی و نحوه آن است. کنش زبانی رفتار زبانی واقعی است. یعنی کاربرد زبان در زندگی روزمره. ایجاد تمایز بین توانش و کنش مهم است زیرا حاکی از تفاوت عمده ای است که بین برداشت زبان شناس از مطالعه ی زبان و برداشت دانشمندان تعلیم و تربیت در روانشناسی، جامعه شناسی، تدریس زبان خارجی و رشته های مشابه از زبان وجود دارد. زبان شناسی در درجه اول علاقه به توانش زبانی دارد یعنی پیکره ای از دانش که کنش زبانی را تحقق می بخشد دانشمندان سایر رشته ها معمولاً به کنش زبانی توجه دارند یعنی به کاربرد زبان. هر موردی از کنش زبانی طبعاً مستلزم داشتن دانش زبانی از سوی گوینده یا شنونده است. اما کنش زبانی عوامل غیرزبانی را نیز دربر می گیرد. میزان تندرستی شخص، حالت عاطفی، حافظه و حوزه ی توجه وی، موضوع و بافت موقعیتی، اینها همه عواملی هستند که به همراه بسیاری از عوامل دیگر استفاده شخص از زبان را تحت الشعاع قرار می دهند.

بر پایه همین تمایز میان توانش و کنش زبانی، سوسور تمایز معروف بین زبان و گفتار^۳ را مطرح نمود. زبان از نگاه وی نظامی از قواعد و قرار دادهاست که از پیش موجود و مستقل از افراد است. گفتار نحوه کاربرد این دانش در هر مورد خاص است. این تمایز در نظام های نشانه ای غیر زبانی خود را عموماً بین نظام و کاربرد، بین ساختار و امر واقع یا بین رمزگان و پیام نشان می دهد. به عبارت دیگر توانش زبانی عبارتست از دانش زبانی گوینده و شنونده و کنش زبانی به معنای استفاده عملی زبان در موقعیت های ملموس است (فالك، ۱۳۷۷ش، ۳۲؛ چندلر، ۱۳۸۷ش، ۳۴؛ ضرابیها، ۱۳۸۴ش، ۲۹).

۱. linguistic Competence

۲. linguistic performance

۳. langue/ parole

این پژوهش مسأله «کنش زبانی» را در حوزه‌ی شکل‌گیری گزارش‌های تاریخی و یا تولید روایت بررسی می‌کند.

۲-۲. زبان احادیث

با گسترش مباحث هرمنوتیک و لزوم فهم و تفسیر متن، موضوع زبان متن، مورد توجه اندیشمندان این حوزه نیز قرار گرفت. از این رو فهمیدن متن نیازمند شناخت و تحلیل نظام زبانی است (جمشیدیها، ۱۳۸۷ش، سراسر اثر)؛ از طرف دیگر امروزه در مطالعات متن‌شناسی یکی از مسائل مهم، توجه به «زبان متن» است. این رویکرد همواره رو به گسترش بوده است و درک یک متن را نیازمند شناخت زبان آن می‌دانند (ساماران، بی تا، ۱۳۲-۱۳۶). این نگاه به وادی پژوهش‌های دینی رسیده و در دنیای اسلام نیز باعث به وجود آمدن مباحثی جدید در دین‌پژوهی شده است. برای نمونه شاهد نگارش‌هایی در باب «زبان قرآن» هستیم. این مسأله درباره احادیث نیز مطرح شده است و پیدایش درسی در مقطع دکتری علوم و معارف نهج البلاغه با عنوان «زبان نهج البلاغه» نشان دهنده این مسیر است. اما اگرچه در زمینه زبان قرآن کتابها و پژوهش‌های بیشتری نسبت به حدیث انجام شده است اما در هر دو زمینه ما در ابتدای راه هستیم. و ضعف ما در بررسی زبان روایات بیشتر مشهود است. در بیان علمای دینی از عنوان زبان روایات گاه با تعبیر «لسان روایات» و یا «لسان احادیث» نام برده می‌شود.^۱

۲-۲-۱. نگرش فلسفی و کلام جدید به زبان احادیث

از آنجا که روایات پیشوایان دینی از مجموعه کلی دین محسوب می‌شود، می‌توان از این زاویه به بررسی زبان حدیث پرداخت و مباحثی از این دست که آیا زبان دین حقیقی یا اعتباری است؟ به چه نحوی می‌توان از خدا، قیامت، عالم ذر، روح و به طور کلی از مباحث متافیزیک و مافوق حس سخن گفت؟

۱. لازم به یادآوری است که گاه در نوشته‌های ایران معاصر تعبیر «لسان روایات» با دقت استفاده نشده و زمانی که عنوانی همچون «فضائل عمّار از لسان روایات» استفاده نموده‌اند غرضشان روایت‌هایی است که در آنها فضائل عمّار آمده است.

این گونه از پژوهش ها حجم وسیعی از ادبیات علمی این موضوع را در ایران معاصر به خود اختصاص داده است و رویکرد غالب در این پژوهش نگرش فلسفی و کلام جدید به زبان روایات است و می تواند انواع زیر را در برگیرد:

۲-۱-۲-۱. بررسی زبان روایات از جهت معناداری

در مباحث زبان شناسی این سوال مطرح است که آیا یک سخن معنادار است یا خیر؟ معیار و ملاک معنادار بودن یا بی معنایی چیست؟ آیا معنا همیشه آن چیزی است که از الفاظ و دلالت های لفظی به دست می آید؟ به فرض معناداری، آیا معنای آن سخن برای همگان قابل دسترس است یا خیر؟ این سوال از آنجا ناشی می شود که برخی از دانشمندان غربی گزاره های دینی را بی معنا پنداشته اند. این گروه معناداری را مترادف با فهم پذیری تجربی تصور کرده اند و چون مضمون بخشی از گزاره های دینی مباحث متافیزیک و خارج از حیطه شناخت تجربی است، انگ بی معنایی به آن ها داده اند و گروه دیگر که گزاره های دینی را معنادار دانسته اند، آن را به معنای خاصی فرو کاسته اند و بیان واقعیت و توصیف حقایق را از حیطه گزاره های دینی خارج کرده اند. بدیهی است که دامنه این مباحث به طور اجتناب ناپذیری به زبان روایات نیز کشیده می شود؛ زیرا روایات معصومین (ع) بخش بزرگی از گزاره های دینی را تشکیل می دهد.

۲-۱-۲-۲. بررسی زبان روایات از جهت کارکرد

هرگاه گوینده ای سخنی را بیان کند، هدفی را دنبال می کند که بیانگر کارکرد سخن اوست. در مواردی هدف گوینده توصیف و تشریح یک واقعیتی است. در اینجا وی می کوشد تا با ساده ترین کلمات و بدون آرایه های ادبی و ابهامات دستوری با مخاطب خویش ارتباط برقرار کند و آن واقعیت را با شفافیت تمام به او منتقل کند و زمانی هدف وی تهییج و تحریک مخاطب برای انجام کاری و یا بازداشتن از عملی است. در اینجا توصیف واقعی یک امر ضرورتی ندارد و کافی است که بیان گوینده باعث تحریک و واداشتن مخاطب به کاری باشد و

گاهی هدف وی بیان احساس درونی خودش است، چنان که ادیبان و شاعران به هنگام سخن گفتن هر گونه مبالغه کردن در موضوع را روا می‌دارند؛ زیرا آن را منعطف به بروز احساس درونی خود می‌پندارند. یکی از گونه‌های بررسی زبان روایات می‌تواند معطوف به این مسئله باشد که آیا چنین رویکردهایی در زبان روایات وجود دارد یا خیر؟

۲-۲-۱-۳. بررسی حدیث از جهت معرفت بخشی

آیا گزاره‌های دینی در قالب روایات موجب معرفت و شناخت می‌شوند؟ توضیح آن که شناخت و معرفت به سه نوع شناخت حسی (تجربی)، شناخت عقلی (فلسفی) و شناخت مکاشفه‌ای (الهامی) تقسیم می‌شود. برخی نیز نوع چهارمی از شناخت را که همان شناخت و حیانی باشد به اقسام شناخت اضافه کرده‌اند. اما گروهی از فیلسوفان غربی این نوع شناخت را به دلیل در دسترس نبودن برای همگان رد کرده‌اند و گزاره‌هایی که توسط انبیاء الهی به عنوان وحی اعلام شده است یا به کلی رد کرده‌اند و یا به یکی از سه نوع قبلی برگردانده‌اند. اکنون می‌توان این سوال را مطرح کرد که روایات اسلامی چه نوع شناختی را ارائه می‌دهند و آیا شناختی که از سوی این روایات برای مخاطب حاصل می‌شود تا چه حد اطمینان بخش است؟

۲-۲-۲. نگرش زبان شناسی به زبان احادیث

در این سبک از پژوهش‌ها، کوشش می‌شود تا از نگاه متن شناسی به بررسی زبان متن پرداخت و آنها را از دریچه نحوه کاربری زبان در این عرصه به بررسی پرداخت. چنانچه با این نگاه به بررسی زبان روایات پردازیم می‌توان زمینه‌های زیر را شناسایی و دنبال نمود.

۲-۲-۱-۱. بررسی زبان حدیث با توجه به گونه‌های آن

روایات انواع و اشکال مختلفی دارند. برای نمونه خطبه‌ها، نامه‌ها، زیارات، ادعیه، امثال، کلمات قصار، عهدنامه‌ها، گزارش‌های راویان و غیره. این اشکال

مختلف با موضوعات متنوعی همچون سیاسی، اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی و غیره همراه شده است. هریک از این اشکال یا موضوعات خود دارای زبان خاص هستند. بدیهی است که زبان روایات فقهی با احادیث اخلاقی و اعتقادی تفاوت دارد و ویژگی های زبانی و بیانی ادعیه با خطبه ها فرق دارد. این یکی از ابعاد بررسی مساله زبان روایات است.

از طرف دیگر به جهت اینکه بسیاری از این گونه های سخن در میان عامه مردم شناخته شده است بررسی زبان آنها و تفاوتی که با سخنان مشابه خود دارد، مجال دیگری برای پژوهش است. برای نمونه زبان خطب امام علی (ع) چه تفاوتی با زبان خطب دیگر بلیغان عرب دارد و مولفه های زبان خطبه های امام کدام است؟ و ...

۲-۲-۲-۲. بررسی معنای واژگان در زبان احادیث

یکی از اصول زبان شناسی تحولاتی است که هم در حوزه الفاظ و هم معانی در زبان به وجود می آید. از طرف دیگر گاه معنای الفاظ در قاموس لغت چیزی است اما در بیان و زبان یک فرد یا طبقه به معنای دیگری به کار رود و همه اینها می رساند که لازم است تا به معنای واژگان در لسان روایات توجه نمود. برای نمونه در احادیث معصومین از واژه صدقه یا صدقه جاریه برای اشاره به وقف اشاره شده است.

۳-۲-۲-۲. بررسی تاریخی زبان احادیث

یکی از زمینه های تحقیق در زبان روایت بررسی واژگان و ساختارها و قالب های بیان روایات از نگاه تاریخی است. این دسته از مطالعات ما را در تاریخ گذاری روایات بسیار کمک می کند. یعنی زمانی که زبان یک روایت از جهت تاریخی بررسی شود بهتر می توان قدمت متن را تشخیص داد.

۴-۲-۲-۲. بررسی نسخه شناسانه زبان حدیث

بیشتر روایات چند نسخه دارند و نسخه ها در واژه ها، جمله بندی، شکل و

قالب بیان با هم متفاوتند. به عبارت دیگر، گاه یک واژه در روایات به چندین لفظ آمده است و یا در یک نسخه بخشی وجود دارد در نسخه ای دیگر نیست و یا تفسیر هایی به متن اضافه شده است و... که همگی می توانند دریچه هایی برای بررسی بیشتر زبان روایت باشند.

۲-۲-۵. زبان احادیث در پرتو پدیده نقل به معنی

یکی از مسائل بسیار مهم در مطالعه زبان روایات، نقل به معنی است که باید با دقت و وسواس خاصی آثار و تبعات آن را از نگاه زبانی بررسی نمود. برای نمونه ممکن است پژوهشگری به جهت زبان شناسی تاریخی و کاربرد واژگانی که در قرن اول به کار نمی رفته منکر صدور برخی ادعیه یا خطب و... از پیشوای دینی باشد اما این مساله از حیث پدیده نقل به معنی در زبان روایت قابل بررسی باشد. شاید بتوان گفت پدیده نقل به معنا درباره آن دسته از متونی که به نوعی ادبی بوده اند به گونه خاصی انجام می شده که امروزه به آن بازآفرینی متن گفته می شود. در این روش کوشش می شود با حفظ جنبه ادبی و هنری اثر، محتوی و مطالب به روز رسانی شود^۱.

۲-۲-۶. پژوهش در شفاهی یا مکتوب بودن زبان حدیث

بدین معنا که متون حدیثی تا چه اندازه از ویژگی های زبان شفاهی برخوردارند و به تعبیری ماهیت گفتاری دارند و تا چه اندازه از ویژگی های زبان مکتوب برخوردارند و ماهیت نوشتاری دارند.

۲-۲-۷. پژوهش درباره سطوح معنایی لایه های معرفتی احادیث

به نظر می رسد از نظر سطوح معنایی و لایه های معرفتی احادیث دارای طیف های گسترده هستند. برخی سطحی و دارای مفاهیم عرف عام و زبان محاوره ای و امور روزمره مانند: احادیث فقهی با تاکید بر معاملات برخی بیانی بالاتر

۱. بهترین و جامع ترین اثر در بررسی زبان شناسی پدیده نقل به معنی در حدیث کتاب «فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا» است که به ارائه الگویی بسیار مناسب جهت بررسی زبانی این پدیده در احادیث می پردازد (نک: پاکتچی، ۱۳۹۴ش، سراسر اثر).

و زبانی عمیق تر دارند مانند: زبان احادیث سیاسی مانند: خطب و نامه ها و برخی مفاهیمی بسیار دشوار فهم و دیریاب دارند مانند: احادیثی که در شأن ائمه وارد شده است مانند: زیارات جامعه کبیره یا آنها که به نوعی با علوم غریبه مرتبند و یا نگاه عمیق و دقیق به جایگاه و منزلت ائمه داشته و گاه احادیث غالیانه شناخته می شوند. احادیث سبک خاصی دارند و دارای روش شناسی فهم خاص خود نیز می باشند. گاه به این دسته از احادیث در سنت روایی با تعبیر صعب مستصعب اشاره شده است.

۲-۲-۸. بررسی ویژگی های زبانی حدیث در مرحله شکل گیری حدیث:

بررسی زمینه های بروز یک سخن و ارتباط آن با مجموعه ویژگی های تاثیرگذار بر آن، نقش مهمی در فهم و بررسی زبان احادیث دارد. در این راستا مسائل گوناگونی می تواند مطرح و مطالعه شوند که برای مثال جایگاه و نقشی که «لهجه های منطقه ای»، «لهجه های اجتماعی»، «زبان عامیانه»، «ایماها و زبان های اشاره» در روایت گری و شکل گیری یک گزارش تاریخی یا تولید متن و سند حدیث دارد چیست؟

در این میان یکی از ویژگی های هر زبان میزان اطلاعات ضمنی است که در حین تولید یک متن منتقل می شود. به عبارت دیگر در هنگام تولید یک متن که ممکن است گزارش تاریخی، روایت، داستان و یا اعتراض و... باشد، راوی یا تولیدکننده متن همه چیز را ریز به ریز تعریف نمی کند، بلکه برخی از اطلاعات را ضمنی منتقل می کند، در این مقاله تولید روایت بر پایه اطلاعات ضمنی بررسی می شود.

۳. اطلاعات ضمنی به مثابه عنصری در زبان حدیث

پژوهشگران زبانی همواره کوشیده اند تا به تفکیک ایجاد اطلاعات ضمنی (لارسون، ۱۳۸۸ش، ۳۵۲-۳۵۴) به عنوان یک صنعت ادبی با پیدایش اطلاعات ضمنی به عنوان یک پدید رایج زبانی از یکدیگر اقدام نمایند و هر یک را در جای خود و با روش های متناسب با آن مطالعه نمایند. به همین جهت به

یکی از آنها در سنت مطالعات ادبی و تحت عنوان صنعت ایجاز پرداخته شده است و رویکرد دیگر را زبان شناسان به عنوان یک ویژگی زبانی پی گرفته اند. تفاوت این دو سبک از مطالعه در این است که زمانی یک نویسنده یا شاعر با توجه به اهداف بلاغی و غیره عمداً به ایجاد ایجاز در کلام می پردازد و کوشش می نماید این کار را به زیباترین و بهترین شکل ممکن انجام دهد، کاری ادبی انجام داده و در ادبیات از آن سخن گفته می شود. اما زمانی که انسانها طبیعی از این بیان استفاده می کنند در زبانشناسی مطالعه می شود در بیان نوع ارتباط زبانشناسی با ادبیات می توان گفت زبان وسیله یا ماده ادبیات است. درست به همان صورت که مرمر یا برنز و یا سفال مواد پیکرتراشی اند (سایپر، ۱۳۷۶ش، ۳۰۸).

۳-۱. مطالعه اطلاعات ضمنی در سنت محافل ادبی (صنعت ایجاز)

۳-۱-۱. درآمد

در محافل ادبی، مساله اطلاعات ضمنی در صنعت ایجاز بررسی می شود. ایجاز در سخن آن است که در عین وضوح و رسایی، الفاظ از معانی کمتر باشد؛ به بیان دیگر عبارت است از کم کردن الفاظ بی آنکه در معنی خللی وارد شود، مشروط بر آنکه مناسب حال و مقام بوده و با استعداد مخاطب هماهنگ باشد و به ارکان کلام آسیبی نرساند و وضوح آن محفوظ بماند؛ زیرا اگر کوتاهی لفظ بیش از اندازه مطلوب باشد و شنونده را در دریافت مضمون دچار مشکل سازد و موجب اخلال در معنا و ابهام و تعقید گردد، ایجاز «مخل» یا «مردود» و از آن به «تقصیر» تعبیر می شود و چنین کلامی معیوب و غیر بلیغ است؛ اما ایجازی که مخل مقصود نباشد، ارزش بلاغی دارد و در اصطلاح ایجاز «مقبول» نامیده می شود.

ایجاز به دو دسته حذف و غیرحذف (قصر) تقسیم می شود. البته در این مساله نیز اجماعی وجود ندارد و برخی ایجاز غیر حذف را بلاغی و در سنت ادبی می دانند و ایجاز حذف را در کنار آن بررسی نمی کنند. باید گفت که در هر دو نوع از ایجاز، گستره معنایی بیش از واژگان است. در ایجاز قصر، کلام با ساختار نحوی کامل و بدون هیچ حذفی ذکر می شود، ولی در ایجاز حذف

بخشی از ساختار نحوی کلام، با تکیه بر قرینه لفظی یا معنوی ساقط می شود (هاشمی، بی تا، ۱۷۶-۱۸۱).

۳-۱-۲. مطالعه زبان حدیث بر پایه عنصر ادبی ایجاز

ایجاز به عنوان یک صنعت ادبی، بسیار زیبا و مهم است. درباره نقش و جایگاه این سبک از مطالعه درباره زبان روایات می توان گفت از یک جهت می توان روایات را دو دسته تقسیم نمود: اول روایاتی با سبک و زبان ادبی که به گونه ای آفرینش ادبی بوده و به تبع آن کمترین میزان نقل به معنی نیز در آن آمده است مانند: خطبه ها، نامه ها، ادعیه و دوم روایاتی که گزارش تاریخی نقل شده توسط راویان است. بر این اساس می توان کاربرد این نوع از مطالعه را در روایات دسته اول دانست. به عنوان مثال؛ مطالعه و تحلیل «خطبه» های معصومین (ع) و همچنین «ادعیه» وارده از آن حضرات از جهت صنعت ایجاز. مطمئناً توجه و تحلیل خطبه ها و نامه ها و ادعیه و حتی گاه زیارات منقول از ائمه اهل بیت از این زاویه بسیار می تواند در شناساندن زیبایی های لفظی و معنایی کلام معصومین مفید و راه گشا باشد و از جانب دیگر اگر به دنبال شناخت ویژگی های سبکی این صنعت در زبان اهل بیت و تفاوت آن با سایر بلیغان عرب باشیم نیز به نوعی در وادی سبک شناسی متن حرکت کرده ایم. به نظر می رسد ایجاز حذف بیشترین ارتباط را با اطلاعات ضمنی دارد که در ادامه خواهد آمد.

۳-۲. مطالعه اطلاعات ضمنی در محافل زبان شناسی

در اینجا به بررسی نقش زبان به عنوان یک ابزار ارتباطی در روایت گری پرداخته می شود. این مسأله از زوایای مختلفی قابل بررسی است، که یکی از آنها، مسأله اطلاعات ضمنی در یک متن است که از ویژگی های همه ی زبانهاست.

۳-۲-۱. تعریف اطلاعات ضمنی

همواره ارتباط به طور کامل براساس اطلاعات مشترک به وجود می آید، در هر متنی مقداری اطلاعات ضمنی وجود دارد. این اطلاعات به وسیله ی هیچ صورت آشکاری در متن بیان نمی شود. با این وجود این ها اطلاعاتی است

که نویسنده و خوانندگان متن به طور مشترک دارند. یا اطلاعات قدیمی است که قبلاً در جای دیگری از متن گفته شده است. چون هم نویسنده و هم خوانندگان متن این اطلاعات را به طور کامل درک می کنند.

مقدار اطلاعات موجود در متن به مقدار اطلاعات مشترک که از پیش بین گوینده (نویسنده) و مخاطب وجود دارد، بستگی دارد. وقتی درباره ی چیزی صحبت می کنیم، مقداری از اطلاعات را حذف می کنیم، زیرا مخاطب از پیش این حقایق را می داند و اگر آنها را حذف نکنیم حتی ممکن است به او توهین شود، این کار ممکن است نشانه آن باشد که مخاطب، کودن یا بی سواد است. اگر بخواهیم در قالب یک مقایسه این مسأله را توضیح دهیم باید بگوئیم، اطلاعات آشکار، اطلاعاتی است که با اجزای واژگانی و صورت های دستوری، آشکارا بیان می شود. اطلاعات ضمنی آن اطلاعاتی است که برایش هیچ صورتی وجود ندارد ولی این اطلاعات بخشی از پیام کلی موردنظر و مفروض نویسنده بوده است (لارسون، ۱۳۸۸ش، ۶۰-۶۳). مانند اینکه گفته شود «پسرم بیمار است» که نام، سن و سال پسر ضمنی شده است.^۱

۳-۲-۲. عوامل و زمینه های ایجاد اطلاعات ضمنی

پیدایش اطلاعات ضمنی در زبان، گاه عامدانه و گاه غیرعامدانه و خودکار در متون مختلف و از جمله احادیث به وجود می آید. در مواردی که یک راوی عامدانه مطلبی را به جهت اغراض و اهداف خاصی به صورت ضمنی می آورد، چه با حسن نیت مانند حفظ جان یکی از یاران امامان (ع)، ترس از نام بردن یک فرد یا جریان خاص در یک مسأله یا به جهت برجسته سازی بخش هایی از یک متن و چه با سوء نیت، یعنی کاستن نقش یک عامل مؤثر در یک مسأله و...

۱. لازم به ذکر است آنچه در این پژوهش مبنای تحلیل است. اطلاعات ضمنی و صریح است (Explicit & Implicit information) که با معنای صریح و ضمنی (تلویحی) (Explicit & Implicit Meaning) متفاوت است. معنای صریح، همان معنایی است که از لفظ و ظاهر آشکار پیام و به طور یکسان توسط همه فهم می شود. «همچنین هر متن، معنایی نهانی، درونی، کم و بیش معلوم و در نتیجه عینی دارد و این سوای منظور آشکار فرستنده یا تفسیر گزینشی دریافت کننده است؛ این معنی را معنای ضمنی یا تلویحی می نامند. معنای صریح دارای خاصیت عمومیت (یک معنا برای همگان) و عینیت (دربگیرنده مفاهیم بدون ارزش گذاری) می باشد، اما معنای ضمنی هم برحسب فرهنگ دریافت کننده و هم نوع ارزش گذاری (جهت مثبت یا منفی) فرق می کند (نک: همدانی، ۱۳۹۶ش، سراسر اثر).

مورد مطالعه‌ی ما نخواهد بود. اما دسته دوم از این مقوله که در این جا به آن پرداخته می‌شود آن چیزی است که از کارکردهای عادی زبان است و به عنوان یک پدیده غیر عمد زبانی در همه زبان‌های دنیا اتفاق می‌افتد و کاری با نیت یا هدف راوی ندارد. عوامل و زمینه‌های بروز این پدیده در زبان به شرح ذیل هستند:

۳-۲-۲-۱. ساختارهای زبانی

از عوامل ایجاد اطلاعات ضمنی در یک متن، ویژگی ساختارهای زبانی در زبان‌های مختلف است حذف به قرینه در تمام زبان‌ها وجود دارد. اما گونه‌ی دیگری از ایجاز وجود دارد که از الگوهای عادی زبان است و با بلاغت ارتباط چندانی ندارد و آن ایجاز حذف است. ایجاز حذف عبارتست از حذف چیزی از عبارت، با وجود قرینه لفظی یا معنوی بر شیء محذوف و این که، این حذف اخلاقی نیز در فهم ایجاد نکند (قلی‌پور، ۱۳۸۵، ش، ۷۴-۷۷).

علم زبان‌شناسی جدید نیز به معرفی برخی از ساختارهایی که دارای اطلاعات ضمنی است پرداخته و برای مثال از ساختارهای مجهولی، اسم‌های انتزاعی (اسم معنا)، ساختارهای اضافی یا ملکی و استعاره‌ها در این باره نام برده است. برای مثال ساختار مجهولی «در باز شد» بدین معناست که کسی در را باز کرد یا اسم انتزاعی بخشش به معنای آنست که فردی، دیگری را بخشید. در ساختارهای اضافی مانند «کوزه شیر» به معنای «کوزه‌ای که دارای شیر است». در استعاره‌ها مانند «او ساقه‌ی لویاست» بدین معناست که «ساقه‌ی لویا بلند و باریک است و او نیز بلند و باریک است» (لارسون، ۱۳۸۸، ش، ۳۵۲-۳۵۴).

۳-۲-۲-۲. فرهنگ

از دیگر عوامل پیدایش معنای ضمنی در متون، فرهنگ است (لارسون، ۱۳۸۸، ش، ۶۲). بدین معنا که هرگاه درباره مسائلی که جزء فرهنگ یک قوم یا کشور شده، صحبت شود، بسیاری از مسائل مفروض گرفته شده و ضمنی منتقل می‌شود. فرهنگ به

مجموعه‌ی شیوه‌ی زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود. چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت، هم‌چنین شامل کالاهایی می‌شود که تولید می‌کنند مانند تیر و کمان، خَش، مسکن و ... (گیدنز، ۱۳۸۲ش، ۵۶).

بسیار محتمل است که فردی با یک فرهنگ، متن تاریخی و یا داستانی که درباره‌ی رویدادی در فرهنگی دیگر نوشته را بخواند و به دلیل این که اطلاعات بسیار زیادی پنهان و ضمنی مانده است، اصلاً داستان را نفهمد. زیرا خودش، اجزای مختلف موجود در داستان را مشخص نمی‌کند. داستان نویس این اطلاعات را آشکار نمی‌کند، زیرا هر فردی که به آن فرهنگ تعلق داشت می‌داند که در مراسم‌ها، جشن‌ها و آیین‌هایی که او توصیف می‌کند، چه کسی چه کاری انجام می‌دهد. ساختار زبان، بیان چنین مطالبی را لازم نمی‌داند و چون فرهنگ، آن را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد اطلاعات پنهان و ضمنی می‌مانند.

۳-۲-۲-۳. گفتگوهای قبلی مشترک

گفتگوهای قبلی مشترک، از دیگر عوامل ایجاد معنای ضمنی در یک متن است. وجود گفتگوهای قبلی مشترک بین دو یا چند نفر غالباً سبب می‌شود، بخش وسیعی از اطلاعات ضمنی منتقل شود.

اغلب در گفتگوهای معمولی، موضوعات زیادی در موقعیت گفتگو وجود دارد که باعث می‌شود بدون استفاده از کلمات زیاد، منظور گوینده دقیقاً درک شود. چه متن تاریخی باشد و چه معاصر لازم است به موقعیت ارتباط به عنوان منبع اطلاعات ضمنی نگاه کنیم اطمینان از این که منظور نویسنده چیست گاهی بدون دانستن چیزهایی مثل ارتباط بین نویسنده و خواننده موقعیت سیاسی، اجتماعی یا مذهبی و جنبه‌های دیگر فرهنگ توصیف شده در متن تقریباً غیرممکن است (لارسون، ۱۳۸۸ش، ۳۵۲-۳۵۴).

۳-۲-۲-۴. تجربه‌های عمومی

مقصود از تجربه‌های عمومی، آن حوادث و پیش‌آمدهایی است که در یک

جامعه به وقوع پیوسته و اثرات خود را بر روی زندگی همه افراد گذاشته است. این حوادث و پیش آمدها به گونه ای هستند که همه ی جامعه از آن مطلع و باخبر بوده و به گونه ای درگیر با آن مسأله می باشند. این تجربه های عمومی ممکن است از سنخ حوادث طبیعی به مانند سیل، زلزله، کسوف و خسوف و یا بیماری های همه گیر به مانند سل، وبا... باشد. گاهی این حوادث از سنخ جریانات اجتماعی است مانند: قحطی، آیین ها، و... گاهی حوادث سیاسی است به مانند انتخابات، انقلاب ها و شورش ها، جنگ ها و... که به نوعی با زندگی همه ی مردم مرتبط می شود. برای نمونه هنگامی که در گفتگوهای مردم و یا نوشته های معاصر در کشور ما از عبارت «جنگ تحمیلی» استفاده می شود، بخشی از اطلاعات مخفی می گردد. «جنگ تحمیلی» به معنای جنگی است که با تحریک و چراغ سبز برخی از کشورهای غربی توسط کشور عراق بر کشور ایران تحمیل گردید.

۳-۲-۵. اطلاعات علمی و تخصصی مشترک

از دیگر اسباب پیدایش اطلاعات ضمنی در متن آنست که گوینده - شنونده و یا نویسنده - خواننده هر دو مطالب یکسانی مطالعه کرده اند و از همین جهت در حد بسیار بالایی اطلاعات مشترک دارند، بر همین اساس بسیاری از اطلاعات را ضمنی منتقل می کنند. برای نمونه هر دو داستان نویس هستند و داستان ها یا رمان های مشهور جهان را مطالعه کرده اند و الآن که می نویسند یا می گویند بسیاری از اطلاعات را به صورت ضمنی در اختیار یکدیگر قرار می دهند. پیروان ادیان الهی که دارای کتاب های آسمانی هستند به جهت این که کتاب مقدس یکسانی را مطالعه می کنند، در سخنان خود، اطلاعات ضمنی بسیاری را انتقال می دهند.

از مهمترین موضوعات که در این زمینه قابل توجه است «مصطلحات علمی» است. یعنی در هر علم یا متن مکتوب یک سری اصطلاحات ساخته شده که دیگر توضیح داده نمی شوند و مخاطب مقصود را می فهمد و نحوه ی ارتباط بین جملات را خود کشف می کند، به عبارت دیگر تمام اطلاعات ضمنی که لازمه

فهم چند اصطلاح علمی است را با خود دارد. این مسأله در میان کسانی که در رشته های تخصصی تحصیل می کنند چه علوم تجربی، مانند: فیزیک و شیمی و... چه علوم انسانی از نوع اسلامی همچون فقه و اصول و... و چه غیر علوم اسلامی، مانند: جامعه شناسی و روانشناسی و... قابل مشاهده است که حجم وسیعی از اطلاعات، ضمنی منتقل می شوند و در متن نمی آیند.

۳-۲-۶. وجود شاخص ها در یک متن

شاخص ها عناصری زبانی به حساب می آیند که مقید به بافت موقعیتی بوده و به مکان، زمان یا شخصی اشاره دارند که از طریق بافت موقعیتی قابل درک اند. مهمترین شاخص های مکانی را می توان «اینجا» و «آنجا» دانست، هرچند قیدهای مکان نیز می توانند از چنین ویژگی ای برخوردار باشند «آن جلو»، «آن عقب»، «این طرف»، «آن طرف». برای معرفی شاخص های زمانی می توان به «دیروز»، «امروز»، «فردا»، «بعدا»، «سه ماه بعد» و... اشاره نمود. بارزترین نمونه های شاخص های شخصی را می توان ضمائر منفصل و متصل دانست «من»، «او»، «پدرش» و...

با تحلیل شاخص های به کار رفته در متن می توان به مناسبات میان گوینده یک گفتار با مخاطب آن در متن پی برد. شاخصی که یک گوینده در مقابل مخاطبش به کار می برد مشخص می کند او در چه موضعی نسبت به مخاطبش قرار دارد. انتخاب یک صورت زبانی به جای صورت زبانی دیگر در بردارنده اطلاعاتی در مورد دیدگاه گوینده در باره نوع ارتباط وی با مخاطب است (یول، ۱۳۸۵، ش، ۲۰).

برخی شاخص های اجتماعی را نیز نام برده اند یعنی آن دسته از شاخص هایی که بستگی به رابطه اجتماعی گوینده با شخصی دارد که یا مخاطب است یا فردی ثالث به حساب می آید مانند: «جنابعالی»، «بنده» و... (صفوی، ۱۳۸۳، ش، ۱۶۷-۱۶۹).

۴. بررسی زبان احادیث در پرتو ضمنی شدگی اطلاعات

در این بخش برآنیم تا نشان دهیم از ویژگی های زبانی تمام روایات ضمنی شدگی اطلاعات است. پیامد چنین نگاهی آنست که همواره ما باید در هر

فعالیت علمی - حدیثی که انجام می دهیم به این مقوله توجه و عنایت داشته باشیم که ناخودآگاه برخی از اطلاعات متن حدیثمان ضمنی است و گاه لازم است تا ما آن را آشکار کنیم تا بتوانیم بررسی دقیق تری داشته باشیم.

۴-۱. گونه های اطلاعات ضمنی در احادیث

در این بخش، گونه های اطلاعات ضمنی را در روایات، براساس ترتیبی که در مطالب پیش به آن اشاره شد، خواهیم آورد و نشان داده می شود که تمام این انواع در میان احادیث وجود دارد و لازم است این مسأله بیش از پیش به آن توجه گردد.

۴-۱-۱. اطلاعات ضمنی در احادیث به جهت ساختارهای زبانی

همان گونه که پیش از این گذشت، یکی از عناصری که سبب می شود، بخشی از اطلاعات منتقل شود، ساختارهای زبانی است، بویژه ساختارهایی که در آنها ایجاز حذف اتفاق می افتد. در حدیث زیر این مسأله خود را نشان می دهد.

«وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَقَدْ شَبَّكَتُهُ الرِّيحُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ أَصَلَّى فَقَالَ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تُجْلِسُوهُ فَأَجْلِسُوهُ وَإِلَّا فَوَجِّهُوهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ مَرُوهُ فَلْيُؤْمِرْ بِرَأْسِهِ إِيْمَاءً وَيَجْعَلَ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ وَإِنْ كَانَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقْرَأَ فَاقْرَأُوا عِنْدَهُ وَ أَسْمِعُوهُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۶۲).

در این روایت پیامبر (ص) به دیدن یکی از انصار که زمینگیر شده و در رختخواب خوابیده می روند و در آن جا درباره ی نحوه نماز خواندن از پیامبر (ص) سؤال می کنند و پیامبر (ص) می فرماید: اگر می توانید او را بنشانید، او را بنشانید و نماز بخواند و اگر نمی توانید او را بنشانید، در همان حالت خوابیده که هست رویش را به طرف قبله بگردانید و ...

تعبیر «و الا» در اینجا یعنی «و ان لا تستطیعوا ان تجلسوه» که به جهت ساختارهای زبانی از متن حذف شده است.

۴-۱-۲. اطلاعات ضمنی در احادیث به جهت فرهنگ زمان

گسترده ترین و مهمترین علت بروز اطلاعات ضمنی در احادیث، مسأله فرهنگ با تمام

ابعاد آن می‌باشد، فرهنگ شامل موارد بسیاری می‌باشد، حتی غذاها، برای نمونه در حدیث زیر از یک غذا نام برده شده ولی توضیحی درباره‌ی شیوه‌ی تهیه غذا، محل بحث غذا، ترکیبات غذا و... نشده است. زیرا در آن زمان این مسأله جزء اطلاعات ضمنی بوده است که به همراه غذا منتقل می‌شده ولی امروزه چنین نیست.

«عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَ إِذَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَ أُتِيَ بِخَيْصٍ فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهُ فَقَالُوا لَهُ أَلَا تَحْرَمُهُ قَالَ لَا وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ تَتَّوَقَّ إِلَيْهِ نَفْسِي فَأَطْلُبُهُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا (الاحقاف: ۲۰) (مفید، ۱۳۶۴ ش، ۱۴۸-۱۴۷) در این حدیث واژه «خایص» به یک غذا اشاره دارد که امروزه دیگر برای ما ابعاد فرهنگی و مباحث پیرامونی این غذا وجود ندارد. که آیا این غذا اعیانی است یا فقیرانه؟ آیا غذای اقشار خاصی از جامعه بوده است؟ و یا نوع نگرش افراد آن جامعه به این غذا چه بوده است. برای ما قابل فهم نیست.

۳-۱-۴. اطلاعات ضمنی در احادیث به جهت گفتگوهای قبلی مشترک

یکی دیگر از موقعیت‌هایی که در آن وقتی متنی تولید می‌شود، بخشی از اطلاعات ضمنی منتقل می‌شود، موقعیت‌هایی است که در آن یک گفتگو شکل گرفته است. برای مثال؛ می‌توان به روایت زیر استناد کرد:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لُحُومِ الْخَيْلِ فَقَالَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا أَنْ تُصِيبَكَ ضَرْوَةٌ وَ لُحُومِ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ فَقَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَ أَنَّهُ مَنَعَ أَكْلَهَا» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ۶: ۲۴۶؛ طوسی، ۱۳۶۵ ش ۹: ۴۰).

در این روایت از حلیت یا حرمت گوشت اسب و الاغ سوال شده است، اما چنین به نظر می‌رسد که بهتر است صورت بخشی از روایت چنین باشد: «قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ لُحُومِ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ» که سوال به جهت قرینه مقام گفتگو حذف شده است.

۴-۱-۴. اطلاعات ضمنی در احادیث به جهت تجربه‌ها (گفتمان‌ها) ی عمومی

اگر فردی بخواهد در یک فضای متنی را تولید کند که در آن دوره جامعه یا افراد

آن درگیر یک تجربه‌ی عمومی باشد، به گونه‌ای که زندگی بیشتر افراد آن جامعه به گونه‌ای درگیر آن مسأله شده باشد، نیازی نیست که همه مطالب واضح و شفاف نقل شوند، بلکه می‌تواند به صورت اطلاعات ضمنی آن‌ها را نقل کند. برای نمونه حدیث زیر به جهت دارا بودن تجربه عمومی، دارای اطلاعات ضمنی است. «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ جَمَعْنَا أَبُو جَعْفَرٍ فَقَالَ يَا بَنِيَّ إِيَّاكُمْ وَالتَّعَرُّضَ لِلْحَقُّوقِ وَاصْبِرُوا عَلَى النَّوَائِبِ وَإِنْ دَعَاكُمْ بَعْضُ قَوْمِكُمْ إِلَى أَمْرِ ضَرَرُهُ عَلَيْكُمْ أَكْثَرُ مِنْ نَفْعِهِ لَكُمْ فَلَا تُجِيبُوهُ» (مفید، ۱۳۶۴ش، ۲۴۳) امام باقر (ع) در این روایت فرزندانش را از جمله امام صادق (ع) نصیحت می‌کند که مواظب حقوق مردم باشید، و بر سختی‌ها صبر کنید و اگر برخی از خویشاوندانتان از شما خواستند در کاری مشارکت کنید که ضررش بیش از نفعش است، او را اجابت نکنید.

این حدیث در دوره‌ای صادر شده است که زید و نفس زکیه و ... در صدد سازماندهی یک سری شورش‌ها علیه دستگاه بنی‌العباس بودند و در این جا امام (ع) اشاره می‌کند که اگر کسی از اقوامتان شما را دعوت به امری کرد که ضررش بیش از نفعش است، او را اجابت نکنید، مقصودشان اشاره به زید و محمد نفس زکیه و پدر و برادرش می‌باشد (همان جا، آن گونه که جناب آقای غفاری به آن اشاره نموده‌اند).

شاید بتوان به حدیث «قَالَ ع: كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ - لَا ظَهْرَ فَيُرْكَبَ وَ لَا ضَرْعٌ فَيُحَلَبَ» هم اشاره کرد که واژه «فتنه» در این حدیث به تجربه عمومی جامعه در موضوع فتنه اشاره می‌کند. قتل عثمان و شورش‌هایی که در زمان وی روی داد و نیز جنگ جمل و نهروان و صفین که دو گروه مسلمان برای اولین بار به جنگ با یکدیگر پرداختند فضا را برای بسیاری از مردم غبارآلود کرده بود به نحوی که افراد دچار فتنه شده و تشخیص حق از باطل برایشان سخت شده بود (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۲).

۴-۱-۵. اطلاعات ضمنی در احادیث به جهت آگاهی‌های یکسان

یکی از علل بروز پدیده اطلاعات ضمنی در یک متن، مطالعه‌ی مطالب یکسان

است. یعنی نویسنده و خواننده (گوینده- شنونده) مطالب یکسانی را مطالعه کرده اند. همین مسأله ایجاب می کند تا مطالب ضمنی منتقل شوند و از نقل مفصل و مشروح مطالب خودداری شود. حدیث زیر به جهت در برداشتن این عنصر دارای اطلاعات ضمنی است. «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ وَيُحَمِّدُ مَنْ غَلَبَتْ وَاحِدَتُهُ عَشْرَتَهُ وَكَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ص يَقُولُ الْمَغْبُوبُونَ مَنْ غُيِبَ عَنْهُ سَاعَةٌ بَعْدَ سَاعَةٍ وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص يَقُولُ أَظْهَرَ الْيَأْسِ مِنَ النَّاسِ فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْغَنَى...» (مفید، ۱۳۶۴ش، ۲۰۲-۲۰۳). در این حدیث که از امام سجاد (ع) نقل شده آمده است وای بر کسی که یک تائی هایش بیش از ده تائی ها باشد در اینجا مقصود از عبارت «مَنْ غَلَبَتْ وَاحِدَتُهُ عَشْرَتَهُ» آنست که گناهان وی از نیکی هایش بیشتر باشد. زیرا که یک گناه یکی حساب می شود و کار نیک ده برابر پاداش داده می شود. این مطلبی است که در قرآن کریم آمده است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (الانعام: ۱۶۰) در این حدیث، محتوای آیه شریفه به صورت ضمنی و در قالب «من غلبت واحده عشرته» آمده است.

۴-۱-۶. اطلاعات ضمنی در احادیث به جهت وجود شاخص ها

یکی از علل بروز اطلاعات ضمنی در متون وجود شاخص هاست. یعنی وجود عناصری که حاکی از شاخص های مکانی، زمانی، شخصی و اجتماعی باشد که در متن می تواند بخشی از اطلاعات را در فرایند ضمنی شدگی قرار دهد. این مسأله در روایات نیز قابل ردیابی و پیگیری است. برای نمونه یکی از انواع حدیث، حدیث مضمّر است یعنی حدیثی که راوی بدون نام بردن از یک معصوم صرفاً با ضمیر به ایشان ارجاع می دهد که می تواند نمونه ای از وجود شاخص های شخصی در متون روایات باشد. از طرف دیگر گاه با تعبیری همچون «سالت الامام» و یا «سالت اباجعفر» و.. برای نقل استفاده می کنند که نشان دهنده شاخص اجتماعی است. وجود شاخص های مکانی نیز در روایات دیده می شود. برای نمونه در روایتی که در نهج البلاغه از امام علی (ع) نقل شده است که درباره خوارج فرمودند: «مَصَارِعُهُمْ دُونَ التُّطْفَةِ» (سید

رضی، ۱۳۸۱ش، خطبه ۵۸). نطفه به معنای یک شاخص مکانی است که در تعیین آن بسیار اختلاف شده است.

۲-۴. آسیب های ضمنی شدن اطلاعات در فرایند نقل حدیث

۱-۲-۴. درآمد

گرچه ضمنی شدگی اطلاعات ذاتاً ارزش مثبت یا منفی ندارد و انسانها به صورت خودکار و غیرارادی آنرا به کار می برند. اما آنچه می تواند همین مسأله عادی در زبان را به امری پیچیده و حیاتی و گاه معضل تبدیل نماید، زمانی است که با دو مقوله دیگر گره بخورد. ابتدا زمانی است که متنی بخواهد شفاهی یا کتبی نقل شود. یعنی زمانی که دو نفر در حال مخاطب و گفتگو هستند، مطالبی را به صورت ضمنی شده به یکدیگر انتقال می دهند. در اینجا به جهت فضای گفتگو و غیره تفاهم کامل برقرار است و مقصد کلام هر یک به دیگری انتقال می یابد اما همین ارتباط کلامی اگر بخواهد نقل شود و برای دیگری بازگو شود به جهت از دست رفتن شرایط گفتگو و همچنین دخل و تصرفاتی که انسانها طبیعتاً در نقل روایت به کار می برند، آسیب می بیند لذا آنچه پیش از این طبیعی می نمود این بار نیازمند آشکارسازی است که گاه راوی چنین توانمندی را دارد و گاه به چنن امری واقف نیست.

دومین موضوع که می تواند بر شدت جراحات متن بیافزاید زمانی است که مدت کوتاه یا مدیدی از تولید متن بگذرد و مشمول گذر زمان شده و به امر تاریخی مبدل شود. یعنی اگرچه زمانی که متن نقل می شد نیز برخی دشواری ها خود را نشان می داد اما در این مساله مرور زمان نیز تاثیر منفی خواهد داشت. بویژه زمانی که از تولید متن قرن ها بگذرد بسیار از اطلاعاتی که پیش از این اصلاً فهم آنها مساله ای نداشت به یک باره مساله دار شده و برخی از مشکلات را در متن به وجود می آورد.

۲-۲-۴. پیدایش ابهام در حدیث

عمده ترین و مهمترین آسیب ضمنی شدگی اطلاعات، پیدایش ابهام در متن

است. این ابهام و گنگی می تواند به جهت از دست رفتن هر یک از موارد بالا باشد. به عبارت دیگر اولاً به جهت تحولات زبانی و از بین رفتن واژگان و ساختارهای پیشین و یا تغییر در معنا یا کاربرد آنها بخشی از زبان تفاهمی مشترک از بین می رود و قابلیت تفاهم خود را از دست می دهد و از طرف دیگر سیاق فرهنگی متن از دست می رود و اطلاعاتی که پیش از این به اتکا و پشتوانه فرهنگ ضمنی بود و قابل درک این بار از دست می رود (برای نمونه نک: بهبودی، ۱۳۹۰، ش، ۳۲۷-۳۷۳). از طرف دیگر با تقطیعی که در نقل روایات شکل می گیرد، زمینه های گفتگو و یا بخش های قبل و بعد از یک متن از دست می رود و از طرف دیگر شاخص های مکانی و زمانی و شخصی و ... به شدت آسیب می بینند و به جز الفاظ چیز دیگری از آنها باقی نمی ماند.

بخشی از این پدیده در علوم حدیث با عنوان «اضمار» و «حدیث مضمّر» شناخته می شود، مشخص نیست حدیث از کدام پیشوای دینی نقل شده و تنها با ضمیر به او اشاره می شود. برای نمونه خبری با لفظ «عن سماعه قال: سالت ابا عبدالله (ع) ..» بوده است. در این روایت راوی سوالات خویش را از ایشان با تعبیر «و سالته (ع) عن ...» می آورد، راوی زمانی که خبر را تقطیع می کند می آورد «عن سماعه قال: سالته (ع) عن ...» و بدین وسیله اضمار ایجاد می شود (برای آشنایی با نمونه دیگر از حذف بافت و تقطیع نابجا، نک: مسعودی، ۱۳۸۵، ش، ۲۳۴).

وجود این مشکلات گاه سبب دشواری دوچندان شده است، به جهت اینکه برخی برای بازسازی متن و ارائه آنچه ضمنی شده و قابلیت فهم متن را زائل نموده به دنبال ارائه توضیحاتی از خویش در متون روایات شده اند و در متن یا سند روایات دست برده و گاه حتی مطالبی را اضافه نموده اند (برای نمونه نک: زارع زردینی، ۱۳۸۹، ش، ۱۶۷).

۴-۲-۳. توهم تعارض اخبار

یکی از آسیب های ضمنی شدن اطلاعات در فرایند نقل حدیث ایجاد توهم تعارض در اخبار است. در این آسیب از آنجا که برخی از اطلاعات در نقل

روایت ضمنی منتقل می شود. پس از گذشت زمان یا تغییر فضای مکانی مخاطب، متن روایت حاضر با متن برخی دیگر از احادیث متعارض می نماید. زمانی که روای که متعلق به یک فرهنگ خاصی است و از امام (ع) درباره مقدار کُر سوال می کند، امام نیز بر حسب عرف و فرهنگ خودش به او جواب داده اند. و راوی زمانی که روایت را نقل می کند می بایست اشاره می کرد که من از اهل چه شهری بودم و چنین سوالی پرسیدم و جواب چنین بود، ضمنی شدن این اطلاعات در فرایند نقل سبب پیدایش توهم اختلاف روایات در باب مقدار کر شده است. بر همین اساس، شیخ طوسی در جمع میان روایات متعدد درباره مقدار کر، آنها را بر حسب عرف و عادت مخاطبان معصوم حمل نموده است و در پایان می گوید: «لِأَنَّهُمْ كَانُوا يُقْتُونَ بِالْمُتَعَارِفِ مِنْ عَادَةِ السَّائِلِ وَعُرْفِهِ وَلَا جِلِّ ذَالِكَ إِعْتَبَرْنَا فِي إِعْتِبَارِ أَرْطَالِ الصَّاعِ بِتَسَعِهِ أَرْطَالِ بِالْعِرَاقِيِّ وَ ذَلِكِ خِلَافَ عَادَتِهِمْ وَ كَذَلِكَ الْخَبْرُ الَّذِي تَكَلَّمْنَا عَلَيْهِ مِنْ إِعْتِبَارِهِمْ بِسِتْمَانِهِ رَطْلٍ إِنَّمَا ذَلِكِ إِعْتِبَارٌ لِعَادَةِ أَهْلِ مَكَّةَ فَهُمْ كَانُوا يَعْتَبِرُونَ عَادَةَ سَائِرِ الْبِلَادِ حَسَبَ مَا يُسْأَلُونَ عَنْهُ» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۱: ۱۲)؛ همچنین برای نمونه مشابه در احادیث قطع تلبیه در عمره مفرده (نک: طوسی، ۱۳۶۵ش، ۱: ۱۱ و ۲۳۸؛ ۲: ۱۷۷).

در موارد متعددی شیخ طوسی می فرماید: امام، حکم را با تکیه بر علم مخاطب یا سایر اخبار رسیده از ائمه پیشین بیان داشته، گرچه در لفظ نیاورده است؛ «... وَ إِنْ لَمْ يَذْكَرْ فِي اللَّفْظِ لِعَلِّمِهِ بِأَنَّ الْمُخَاطَبَ عَالِمٌ بِذَلِكَ أَوْ تَعْوِيلاً عَلَى غَيْرِهِ مِنَ الْأَخْبَارِ». به عبارت دیگر علت ضمنی شدن این اطلاعات تکیه بر دانش مخاطب است (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۲: ۲۱، ۲۸۸؛ ۳: ۲۳۴؛ ۴: ۲۰۲).

۵. نتیجه گیری

۱- به هر میزان شناخت دقیقتر و عمیق تر نسبت به ماهیت حدیث داشته باشیم در نقد، فهم و ارزیابی آن موفق تریم. بخشی از ابهامات، شبهات، انتقادات، بدفهمی های ما از حدیث به جهت عدم آشنایی با ماهیت این پدیده و چگونگی پیدایش آنست. حدیث اصالتاً ماهیتی زبانی دارد؛ لذا هم در پیدایش و هم در انتقال از قوانین حاکم بر نظام زبان پیروی می کند و تحولاتش تابعی

از تحولات زبان است. بر همین اساس از شاخه های نوین در حدیث پژوهی، دانش زبان احادیث است که می تواند باب جدیدی را در شناخت بهتر حدیث بگشاید. آشنایی با زبان متن اگرچه دانشی نوپاست، اما همواره دامنه پژوهش های آن افزوده می شود. بررسی ها در موضوع زبان احادیث را از دو بعد فلسفی - کلام جدیدی که در آن به بررسی زبان روایات از جهت کارکرد، معناداری و معرفت بخشی و از بعد زبان شناسی که در آن به بررسی زبان روایات از جهت گونه های آن، بررسی تاریخی، شفاهی یا مکتوب بودن، آسیب های نقل به معنی بر زبان روایت و... قابل طرح و پیگیری است.

۲- در بعد زبان شناسی و از نگاه زبان متن، یکی از ویژگی های زبان احادیث که در مرحله شکل گیری حدیث به وجود می آید ضمنی شدن اطلاعات است که به جهت عواملی همچون ساختارهای زبانی، فرهنگ، دانش تخصصی مشترک، گفتگوهای مشترک پیشین و وجود شاخص های زمانی، مکانی و شخصی و آگاهی های یکسان می تواند بروز یابد.

۳- ضمنی شدن اطلاعات در دو صورت می تواند آسیب زا باشد؛ اول، نقل یا روایت شدن یک حادثه در قالب متن است زیرا در فرایند روایت تمام قرائن قابل انتقال نیست و همین امر سبب ابهام و اجمال در متن روایت می شود و دوم، گذشت زمان و ایجاد فاصله زمانی؛ گذشت زمان و تغییر گفتمان ها و قراردادهای اجتماعی دوره ها نیز سبب ایجاد مشکلاتی در فهم روایات می شود. از دیگر آسیب هایی که به تبع ضمنی شدگی اطلاعات در احادیث به وجود می آید، توهم تعارض احادیث است. به این معنا که ضمنی شدن اطلاعات جانبی در فرایند نقل حدیث سبب بروز تعارض در مدلول یک حدیث نسبت به حدیث دیگر می شود.

۴- دشواری فهم برخی از احادیث می تواند به جهت بی توجهی به رویکردهای زبانی از جمله نادیده گرفتن ضمنی شدگی اطلاعات در احادیث باشد. توجه به موضوع «ضمنی شدن اطلاعات» حدیث پژوه را قادر می سازد تا زمینه های ضمنی شدگی را شناسایی کرده و در هنگام بهره برداری از احادیث آن را در کنار سایر مولفه های فهم حدیث به کار گیرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، انتشارات پیام مقدس، ۱۳۹۰ ش.
- بهبودی، محمدباقر، حسین منی و انامن حسین، چاپ شده در یادنامه علامه امینی، به اهتمام سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰ ش.
- پاکتچی، احمد، فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴ ش.
- تولان، مایکل، روایت‌شناسی: درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی، ترجمه فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران، سمت، ۱۳۸۶ ش.
- جمشیدیها، غلامرضا، وحید شالچی، «هرمنوتیک و مسئله تاریخ‌مندی فهم انسانی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷
- چندلر، دانیل، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷ ش.
- درزی، قاسم، مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زبان‌شناسی، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته ای قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۷۳-۸۳.
- زارع زردینی، احمد، «درآمدی بر فلسفه حدیث»، مجله صحیفه مبین، شماره ۵۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- _____، روش حدیثی علامه محمدتقی شوشتری، رساله دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۹ ش.
- سایپر، ادوارد، زبان: درآمدی بر مطالعه سخن گفتن، تهران، سروش، ۱۳۷۶ ش.
- ساماران، روش‌های پژوهش در تاریخ، گروه مترجمان، مشهد، آستان قدس رضوی، بی تا.
- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات لاهیجی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.
- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، موسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- صفوی، کورش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ش.
- _____، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- ضرابیها، ابراهیم، زبان عرفان: تحلیلی بر کارکرد زبان در بیان دریافت‌های عرفانی، تهران، بینادل، ۱۳۸۴ ش.
- فالدک، جولیا، زبان‌شناسی و زبان، ترجمه خسرو غلامعلی زاده، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
- قلی پور گیلانی، مسلم، تلخیص جواهر البلاغه، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۵ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منصور صبوری، تهران، نشر نی، چاپ دهم، ۱۳۸۲ ش.
- لارسن، میلارد، اصول و مبانی نظری، ترجمه صدیقه امیرشهنوازی، تهران، استادی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
- مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران، سمت و دانشکده علوم حدیث، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
- مفید، محمد بن نعمان، امالی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- هاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع، اسکندریه، دار ابن خلدون، بی تا.
- همدانی، مصطفی، «معنای ضمنی»، سایت پژوه، ۱۳۹۶ ش.
- http://pajoohe.ir/%D9%85%D8%B9%D9%86%DB%8C-Meaning__a-42534.aspx
- یول، جورج، کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.